



نشریه مجاهدین ★ خلق ایران
سال اول - شماره ۷۲ - یکشنبه ۲ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ رسال

"در عصری که غضب امپریالیسم توسعه طلب خرم بقای خلق هارا می سوزاند هیچ راهی برای ترقی خلق های جهان وجود ندارد مگر آن که تولید را در جهت نابودی استعمار و سنگ های زنجیرش هدایت کنند"
مجاهد شهید محمود عسگری زاده

"دل من می خواهد دنیا بی وجود آید که احساسات پاک و لطیف بشری جلوه نماید و انسانیت تجلی کند و بشر همد یگر را به چشم برادری و برابری بنگرد و ارزش انسان ها به فضیلت و کار آنها باشد."
مجاهد شهید سعید محسن

آیا اعدام حلال اساسی مسالهی قاچاق و اعتیاد است؟

قاطعیت در مبارزه با انواع اعتیاد، مقدمات مستلزم قاطعیت در ریشه کنی زمینه های اجتماعی آنست، تا دیگر فقدان تربیت سالم و درآمد مفکی، گروه گروه فرزندان این مین را چیده برای تخریب اعضا بشان و چه برای کسب درآمد، به این راه نکشاند.

کسی تردید ندارد که اعتیاد از مضرترین بیماری های اجتماعی است. وقتی می گوئیم بیماری اجتماعی، یعنی درست نظر فقر، گرسنگی، بیگاری، مساله اساسی زمینه اجتماعی دارد و نه فردی. البته بر اساس پیش و بیزی قرآنی نسبت به مساله انسان که در هر حال مکر مسئولیت و اختیار بی نوع انسان نیست، مسئولیت فردی هم جای خود را دارد ولی ریشه های اجتماعی است و چیزی خارج از حیطه مقدورات شخصی. درست مثل این که شما به منطقه وارد می وارد بشوید. طبیعی است که در این منطقه زمینه برای و با گرفتن شما هم فراهم است مگر این که ما تحریکات بهداشتی لازم خود را از بیماری ممنون داریم.

به هر حال در بررسی مساله اعتیاد نیز، عامل اجتماعی و زمینه های پاک جامعه، شرایط را برای گرفتاری و درماندگی مهیا می سازد که نیستند جوانی که در اثر فقدان تربیت و بهیبا بودن امکان زندگی سالم دچار انواع اعتیادها، دردی و... امثال اینها می شوند.

سازمان قاطعیت در مبارزه با انواع اعتیاد مقدمات مستلزم قاطعیت در ریشه کنی زمینه های اجتماعی آن است تا دیگر فقدان تربیت سالم و درآمد مفکی گروه فرزندان این مین را چه برای تخریب اعضا بشان و چه برای کسب درآمد به این راه نکشاند. پس حل مساله اجتماعی اعتیاد به خودی خود هرگز ممکن نیست، بلکه راه حل اساسی را بایستی در قلمرو اجتماعی و سیاسی جستجو نمود.

نگر در گذشته شاهد بودیم که صدها تن در فاصله سالهای ۴۸ به بعد که رسیدگی به امر قاچاق و هروئین اساسا در صلاحیت دادگاه های نظامی قرار گرفت، به همین جرم اعدام شدند و ولی نتیجه چه بود؟ اساسا هیچ!

ظنیر همین جریان مگر گروه های صرحت صد گرانروشی را شاهد بودیم که با اشتراک عناصر دانشجویی بر سر کسبه جز می ریختند تا گران و نرخ تورم را به خیال خود پایین بیاورند؟ ولی نتیجه چه شد؟ اساسا هیچ!

پس مساله اعتیاد نیز مانند بسیاری دیگر از مسائل اقتصادی و سیاسی ما حل قیبراً میز ندارد. به راستی چگونه می توان فقر و فحشا و گران و ولگردی و اعتبار را با تعارض و قهر حل نمود؟ آخر مگر معاندان از سرگشایی و قانون شکنی به اعتیاد پناه می برند؟

از همدی اینها می خواهیم نتیجه بگیریم که اگر به راستی می خواهیم اعتیاد را اجتماعاً ریشه کن کنیم، بایستی عوامل اجتماعی آن را براندازیم.

مصاحبه با نمایندگان اتحادیه های شوراهای دهقانی منطقه ترکمن صحرا

وجود ندانسته باشد. نمونه این مسئله در مناطق کسند، کردستان، سیو-حسان و فارس و... جبهه کربه خود را خوبی نشان داده که منجر به حنک و برادری وسیع گردیده و تضادهای درون خلق را تشدید نموده است و افغانا ریشه بسیاری از درگیریها در مناطق را در همین مسئله رسی باست حسو کرد. در این میان سیاست های سازگارانه و مسانبات گرایانه بعضی از عوامل دست اندرکار که گاه در حیطه حساب از فتودالها را داشتند، تا حد زیادی به لایحل ماندن این مساله کمک کرده است. اگر در این میان کسانی هم خواسته اند کاری در این زمینه انجام دهند و از دهقانان محروم حمایت و طرفداری نمایند با انواع و اقسام مارکها و نهیها رونه رو شده اند و از این جمله است معاون وزارت کشاورزی.

مردم رجنس ترکمن صحرا که بعد از چندین درگیری هنوز دست به گریبان مشکلات زمین می باشند این بار تصمیم گرفته اند که ندای بقیه در صفحه ۲

مسئله ای رسی و مبارزه با بزرگ مالکی و فتودال برده یکی از بنیوس مسائل است که در جامعه، بعد از انقلاب بنیبا مطرح بوده است. این مسئله درست از همان روزهای بعد از انقلاب شروع شده و روزی نسبت که در روستاهای ما بس دهقانان رحنس و فتودال های منطقه که حالها به غارت روستائیان محروم برده اند، درگیری و جد و کت و تدر

با جنبش های رهائی بخش جهان آشنا شویم

مقدمه: از مندها پیش در نظر داشتیم که با جنبش های رهائی بخش در جهان آشنا کنیم. اما به علت اسرار همگی، و محدودیت صفحات سرب این فصل عملی نشد. لیکن اکنون در هر فصل جدید مزارات خدایمان خلق نهران ایران و با توجه به این که مجاهد روزانه مسر می شود، این امکان را بنیبا

اعلام جرم مادر شهید محمد دزیانی در باره ی آزاد کردن یکی از جلادان ساواک از زندان

بسم الله الرحمن الرحیم
جناب آقای دادستان کل انقلاب اسلامی
احترامت مادر محبت شهید محمد دزیانی بدستوسند خدمت دست اندرکاران آزادی یکی از جلادان ساواک از زندان نام حسی نفورمان که در کسند و سپاهت فرورد سعادت محبت دزیانی سیدما ترک داد اعلام جرم بوده و مقامات دستگیری مجدد و محاکمه در محم باسرده را دارم توضیح اینکه ساواکی مبرور که مطابق اطلاعیه دادسرای انقلاب اسلامی مرکز مسدود در کسند بروج گردیده و از زندان آزاد شده است. بدین سبب ما معسوان دادستان کل انقلاب آذربای در مورد این مسئله تقاضای توضیح فوری نموده و هم چنین اقدام خواستار عفت کشی که البته آزادی این ساواکی حای را امر اجتهت استی با

مبارزه ی ضد امپریالیستی از حرف تا عمل

این روزها بازار مبارزه با امپریالیسم بسیار داغ است. هرکسی به حق و باحق دم از این مبارزه می زند. و در این میان به راستی که مناهم کوب می شوند و از اورس و اعتبار خود می افتند. برای این که از این سردرگسی در مانم هیچ راه خارهای نیست جز ن دادن به قوانین سلم و ساخته شده مبارزه با امپریالیسم. فقط و فقط عمل کردن در این حیطه است که ما را نادر خواهد ساخت از سطح به عمق برویم و به راستی با امپریالیسم مبارزه کنیم.

پس از این تواس حساب از بولند کنندگان حربه ها می باشد. این جناب در رندهای گوناگون صنعت و کشاورزی باید انجام گیرد. و این یکی از راه های بی وابستگی است. مثلا در مورد کشاورزی ما وضع اسف با این که داریم سبنا راه از بس بردن فتودالیسم و بزرگ مالکی در کلبه ی خلق می باشد. و در کنار این مساله برای آن که کشاورزان ما به سوسنی مانده سروسنمان در به اصطلاح انقلاب سفید دچار نشوند باید از بولند کنندگان داخلی و حربه های کشاورز حمایت فاطع کنیم. امکانات در احسار آنان بگذاریم. ما فراهم آوردن رنده های گوناگون رشد داخلی سطح بولند آنان را بالا بریم. از طرق مختلفی که برایمان سیراست به آنها کمک کنیم تا روی پای خود بایستند و بالاخره در خرید محصولات بولندسان اولویت را به آنان بدهیم و با قیمت مناسب و حتی بیشتر از بسول از سوط و ورکنسکی آنان جلوگیری کنیم. در طرح بودجه های نیز که دولت بسپارد کرده است به مسائل کشاورزی اولویت داده شده و حتی در طرح آند است که دولت بسوط است محصولات کشاورزی را بخرد. لیکن مسانبات احتیاری به کوس می رسد که در ع ل متضاد با این طرح است بنیادی که در رسی می خوانید بسوط تعدادی از کشاورزان برای ما فرساده شده است و سانی می دهد که عمل مقامات دولتی ما آنچه که باید باشد و بقیه در صفحه ۷

نحوه ی سربازگیری و آموزش در ارتش شاهنشاهی

عاطلی که سرباز را وادار به اطاعت از فرمانها می گرد، نیاز و زور بود. بدنی این سخن این است که این بنای سوانلی و نظم حاصلی، در بنا رود فزونی رجه. عکس العمل سربازان از ابتدایی ترس اشکال آغاز می گشت و به بالغ ترین شکل خود یعنی سبنا، خاست می یافت. و این درست زمانی بود که سربوت محموم این نظام حاصلی برای رسی. هر تحقیقی، هر بوجی، هر سبنا و زندان و کسدهای بازی بود که این سبنا را سبنا می خورد و اورس سبنا در آن دجیره می گرد.

برقراری اولین رابطه
بی باوسی و کم کاری از اولس عکس العملها بود. سرباز از همان ابتدا به حکم غریزه در می یافت که به بند کشیده شده و این درسی بود که همان اولس برخوردنها به او

واکنش سرباز در قبایل سیستم وابسته ی ارتش شاهنشاهی

در بحثهای گذشته درباره ی ماهیت و عملکرد ارتش شاهنشاهی براس نلفی اس از سرباز و علت وجود آوردن خدمت نظام وظیفه صحبت کردیم. دیدیم که جوهر روابط را در کلبه اشکال خود، بهره کس و استثمار تشکیل می داد. آموزشها نیز سبنا برای سبناوی مغزی و تبدیل اسانها به میزدهایی بود که در جهت امیال صدمردمی فرماندهان و رژیم و رودروسی با مردم مورد بهره برداری قرارگیرند. اینک بسبب این فشارها و تلاشهای سبناستیک از جانب رژیم آیا می توانست بدون هیچگونه باسج و عکس العملی باقی بماند!

سلبا حیر، می الواقع سبنا

سالروز شهادت اعضای کادر مرکزی

سازمان مجاهدین خلق ایران را گرامی بداریم

مجاهد شهید محمود عسگری زاده

در سال ۱۳۲۵ در یک خانواده فقیر در اراک به دنیا آمد. با وجود مشکلاتی که در دوران تحصیل با آن مواجه بود، با کوشش خود و خانواده‌اش دوره دبیرستان را در دبیرستان تروی گذراند و سپس به مدرسه عالی بازرگانی وارد شد. در سال ۱۳۴۶ فارغ التحصیل گشت. او همیشه برای کمک به خلق و ملت خود کار می‌کرد. محمود از آغاز با ردگی توده‌ی زحمتکش آشنا بود و خودش درد ورنجهای محرومان را مستقیماً احساس کرده و این برای یک انقلابی، امتیاز بزرگی است. افتخار آیزر است که آسان از شریعت‌تربس و ارجمندترین طبقات، یعنی طبعی کارگر باشد. از ریح آنان روحش مایه بگیرد و چه افتخار بزرگی است که به فکر نجات توده‌ی محروم باشد. و سزاجام در راه نجات آنان همراه با احساس مسئولیت عمیق‌جان خود را فدا کند. این موهبت بزرگی است که آسان از آغاز با ریح طبعی محروم آشنا باشد و از درد و محبت ریحبران ریح بگذرد و بالاخره خود را مسئول تعمیم وضع زندگی محرومان و نجات آنان بداند. محمود عسگری زاده از این موهبت و از این افتخار برخوردار بود. کینه نسبت به آنان که خون ریحبران را می‌گیرد از اول با وجود او عمیق شده بود. او کوشید دانش و فکر و قدرت خویش را در محلاتی که استعمارگران و نوکران آنها برای حوالتان منب ساخته‌اند به هدر ندهد و از این لحاظ بیشتر، حوسی است برای جوانان کشور ما.

عسگری زاده در یک نوشته راجع به مسائل اقتصادی، هدف علم اقتصاد را چنین بیان می‌کند: "هدف علم اقتصاد در حال حاضر اساسی سنج سروهای مادی و معنوی خلق برای از بس بردن دشمن خلق باشد. این هدفی است ار علم اقتصاد که شرایط حاکم بر جهان آن را به ما می‌آورد. با زمانی که دشمنان خلق با بر جهان حاکمند، هدف تولید و هدف اعمال اقتصادی باید کمک به نابودی این حشرات خوچوار باشد. حر این هدفی برای علم اقتصاد در حال حاضر است و این عرف اقتصاد و بقیه در صفحه ۴

قَتَلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْفَاعِدِينَ احْرًا غَلَسْنَا



قَتَلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْفَاعِدِينَ احْرًا غَلَسْنَا



مجاهد شهید عبدالرسول مشکین فام

رسول مشکین فام در سال ۱۳۲۵ در خانواده‌ای متوسط در سمرقند متولد شد. مانند همه بچه‌های دیگر در همین اجتماع بزرگ شد، با همه حوسها و بدباشی‌ها او از آنچه در اجتماع می‌گذشت، تأثیر می‌پذیرفت و کور و کر و نابصی صرف نبود. همزمان با دوران مدرسه و دبیرستان او در سیراز، انجمنها و محافل مختلفی فعالیت داشت. البته از همان نوجوانی که بتوان در ایران سرع داشت، انجمنهای دینی ضد دینی و اصلاح طلبانه و صوفیگری و غیره. رسول به همه جا سرفی زد تا گمنامی خود را بیاید. فام و سرگویی عناصر فارس را در سالهای ۴۲ - ۴۰ خود از نزدیک شاهد بود. ریح مردم و فیرمائی آنها را وحشتگری رژیم صحتلشی شاه را دید رسول در آن هنگام با همه حوسی حوالتی این در و آن در زده بود. تا آنچه را واقعا بن عناصر می‌کرد دریاود و تا حد زیادی هم موفق شده بود. اطلاعات اولیه او نسبت به عناصر فارس و روسائیان آن دناار موجب شده بود که به سرسوت آنها علاقمند باشد و اطلاعات خود را بعدها به صورت تحاریت کاملتری در اختیار سازمان بگذارد. بقیه در صفحه ۴

پیام

پدر طالقانی به مناسبت ۴ خرداد

بسم اللہ الرحمن الرحیم والسماء ذات البروج والیوم الموعود و شاهدو مشهود قتل اصحاب الاحدود النصار ذات الوقت اذهم علیها قعودهم علی ما یفعلون بالمومنین شهود و ما یقولون ان یومنا بالله العزیز الحمید

(سوره بروج آیات ۱ - ۸) سوگند به این آسمان و برجهای نکهبان و مراقبت، همین جهان زنده که با امواج اسرار آمیزش خبرها و حوادث را صیغ می‌کند، سوگند به روز موعود و دادگاهی که در آن برونده‌ی جنایات و ستمگریها گنوده می‌شود، برونده‌هایی که در صفحات جهان و ادهان مردم بیت سدهاست "والیوم الموعود".

چشم انداز پر شور

نوشته‌های ز مجاهد شهید سعید محسن

بقایای زبر از سلسله مقالاتی است که در سالهای قبل از شهریور ۵۰ و بعد از آن در کلاسهای آموزشی سازمان تعلیم داده می‌شد. این مقاله در سال ۴۶ توسط شهید بنیاناگدار برادر مجاهد سعید محسن نگارش یافته است.

از آنجا که مقاله، خود کاملاً "گویاست، دیگر نیازی به توضیح دربارہ آن نداریم و فقط به ذکر این نکته می‌پردازیم که توجه شود این نوشته در چه شرایطی تدوین شده و تعلیم داده می‌شد. مقدمه‌ی نوشته، خود شرایط آن روزگار را به درستی و دقت ترسیم کرده است: شرایطی که ترس و ناامیدی به صورت‌های مختلف ظاهر می‌کرد. عده‌ای بی‌بهاشاندان شدن سرمایه‌ی لازم برای ورود به بازار نبرد بود. و عده‌ای از ترس به منفی‌بافی پرداخته بودند. گروهی به لفاظی و سیاست بازی مشغول بودند، چرا که نمی‌خواستند شست خالی خود را باز کنند و بیش کسوفانی نیز به بند و موطنه برداشته که شتر رمیده را به حال خود واگذارید. و عده‌ای نیز رحل اقامت از سرزمین "بلا" بر بسته و به‌دیار فرنگ مهاجرت!! فرمودند.

بله، در جهان شرایطی بود که برادران ما در اندیشه و آمادگی "حمل شکنجه‌های فراوان"، "سال‌ها در سلول به سر بردن، گرسنگی کشیدن، فقر و خانه‌بدوشی، ساده زیستی و به اندک ساختن، ترک زن و فرزند کردن"، و در یک کلام پدیرای ایدئولوژی "شهادت" بودند. و دیدیم، و همه دیدند که چگونه تا آخرین لحظه بر این اندیشه و گفتار ایستادگی کرده و خون خوش را و نسیقه‌ی گفتارشان قرار دادند.

و ما نیز امروز فراموش نخواهیم کرد این پیام ارزشمند آنان را که: "شرایط سخت و دشوار عامل بیدایش مرز بین جنش و ضد - جنبش، انقلاب و ضد انقلاب است و در آن شرایط تنها کسانی که باز سنگین نبود را بدوش می‌کشند، باقی خواهند ماند و فرصت طلسم، سازشکاران، آنهاکه به اصطلاح یکی به نعل می‌زنند و یکی به سیخ، مواضع خود را از دست خواهند داد."

به امید آن روز

سوالی که امروز برای اغلب افراد به ویژه آنان که استنباط سازمانی قوی ندارند و کسانی که دارای قدرت درک شرایط و امکانات موجود نیستند، وجود دارد، این است که:

"آیا در چنین شرایط سهمگینی مبارزه‌ی پیروزی امکان پذیر است؟" این پرسشی است که امروز پرسنده‌هاش زیاد و پاسخ‌گویش کم است. "مشأه" این سؤال چیست؟

گذشته از عوامل تاریخی و مبارزات ماکام گذشته که در پیدایش چنین سوالی مؤثرند، باید به پدیده‌ی دیگری زائیده‌ی شرایط زمانی است، بیشتر توجه داشت. شرایط مبهمی و کانون‌های ملتبس گوته و کنار جهان‌نشان داده‌اند که کسب پیروزی در مبارزه امری آسان نیست. برای کسب پیروزی در میدان نبرد دست پر باید داشت. اندیشه، جسارت، جانبازی، پرهیزگاری، معنوی صدر، صداقت، جاری شدن در امر نبرد، اینها و نظایر این‌ها سکه‌هایی است که برای کسب پیروزی باید به همراه داشت به این ترتیب مبارزه‌ی پیروزی، آن سقید در صفحه ۴

متن پیام مجاهد شهید محمد حنیف نژاد

در آخرین لحظات زندگی اش

در شرایطی نوشته می‌شود که ما را از هر طرف بحرانی سخت احاطه کرده است. یک طرف شدت ضربات کوبنده‌ی که یکی پس از دیگری به ما می‌خورد و یک طرف دستگیری‌ها و شکنجه‌های وحشیانه‌ی دژحیمان و نابودی و انعدام بالاترین، پاک‌ترین، منزه‌ترین و شجاع‌ترین فرزندان خلق ما که انرژی فوران یافته‌ی فکر انقلابی آنها برجم سرح و خونین انقلاب مسلحانه‌ی توده‌های را در اهتزاز آورده است، در این شرایط سهمگین که از هر جهت نمونه‌ی نادری از تسلط بین‌المللی امپریالیسم و صهیونیسم بر نیروی کار استعمار شوندگان می‌باشد، تنها یک چیز می‌تواند ما را از کشاکت شکست و اهراننده و به سر منزل آرمان انسانی خود که رهایی خلق‌های اسیر است نزدیک سازد.

انتظار دارم قبل از آن که به بیان تنها عامل پیروزی خود که تنها ضامن پیروزی آرمان‌های ملی است، بپردازم. از همه رفقا و برادرانی که در جنبش مسلحانه‌ی ما سهیمند، تقاضا کنم که به خاطر حفظ نوامیس و ارزش غایی کلمات و از آنجا که بیوسه در معرض تمايلات و حملات نفزی بوده‌اند که مطور حاضر در قیاس با آنها چیزی شمرده نمی‌شود، به تشریح این نکته بپردازم که سوابق درخشان انقلابی گروه مجاهدین خلق، دست آوردهای انقلابی فراوانی را فراهم آورده که با برخورداری از آنها و درک روح مفاهیم درسی عوام و کلمات می‌توان به خوبی در مسیر آرمان‌های انقلابی کام برداشت و آنها را با پیروسی خلاق و دانشی ثنوری و عمل روز به روز غنی‌تر و غنی‌تر ساخت.

به هر حال رمز پیروزی ما در حفظ وحدت دائمی سیاسی و تشکیلاتی گروه است:

کدر سعای زبر منجلی می‌گردد:

- ۱- وحدت تشکیلاتی.
- ۲- وحدت استراتژیک.
- ۳- وحدت ایدئولوژیک.

به این ترتیب تنها ضامن پیروزی حفظ دقیق اصول راجع است به وحدت که تنها و تنها از طریق اصول:

- ۱- انتقاد و انتقاد از خود.
- ۲- اصل ادامه‌ی بقا، پیشاز حفظ می‌شود.

سالروز شهادت اعضای کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران را گرامی بداریم

عملیات ضد امپریالیستی مجاهدین بمناسبت دومین سالگرد شهادت ۴ خرداد

اعلامیه سازمان بمناسبت اولین سالگرد شهادت ۴ خرداد



بنام خداوند الهام بخش و بندگان حق را هدایت کننده است



شهادت ۴ خرداد

عشق ما را بر سر این راه می‌گذاریم... این راه را تا آخر راه می‌رویم...

دوم یکساعت پس از آن... در حالی که نیروهای پلیس با چشمانی از حدقه درآمده و متوجش از انفجارات بی‌دربی به دور ساختمان حلقه زده و هیچ کدام جرئت نزدیک شدن به ساختمان را نداشتند...

ما در آن روزها به برخورداری بودیم... در آن روزها به سربوهای ما و کلیه نیروهای مبارز ضربات سهمگینی وارد شد و دشمن توانست بسیاری از همروزان ما را به اسارت درآورد...

ما با هرگونه نفوذ و حاکمیت سرمایه‌داری خونخوار بین‌المللی و وابستگی داخلی‌ش بر موقدرات ملی ما اعلام شد...



محمد حسیف سزاد، در دوران سربازی

ما در آن روزها به برخورداری بودیم... در آن روزها به سربوهای ما و کلیه نیروهای مبارز ضربات سهمگینی وارد شد و دشمن توانست بسیاری از همروزان ما را به اسارت درآورد...

ما در آن روزها به برخورداری بودیم... در آن روزها به سربوهای ما و کلیه نیروهای مبارز ضربات سهمگینی وارد شد و دشمن توانست بسیاری از همروزان ما را به اسارت درآورد...

در شب چهارم خرداد و معادف با ساروز تیرباران پنجتن از گرامی‌ترین فرزندان رزمنده خلق محمد حسیف سزاد، سعید محسن، علی اصغر بدیع زادگان، محمود عسگریزاده و رسول مشکین‌فام...

۱- ساختمان شرکت امریکایی - اسرائیلی جنرال با انفجار دو بمب، یکی در ساعت هشت و پانزده دقیقه بعد از ظهر...

فردان معاصره خود را در راه... ما در آن روزها به برخورداری بودیم...

اعلامیه مادران مسلمان به مناسبت ۴ خرداد

بنام خدا ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا یلحیا عند ربهم یرزقون...

این فرزندان برومند و دلیر خلق در زمانی که می‌رفت تا دیگر از اسلام خبری نباشد و یا س بر مردم ما مستولی گشته بود...

بنام خدا ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا یلحیا عند ربهم یرزقون...

در سینه دم خونین چهارم خرداد سال ۵۱ رژیم خونخوار پهلوی بمناجورانه‌ترین اعمال دست‌زده و پاک‌ترین فرزندان خلق را پس از شکنجه‌های فراوان به جوی خونی سیرد و خون پاکشان نثار راه خدا و خلق شد...

متکین فام، عباس عیانی رضا حامدی، عین‌الله پورولتی... اینها همگی در راه مبارزه با رژیم پهلوی شهادت دادند...

بنام خداوند الهام بخش و بندگان حق را هدایت کننده است

ساکر و ز شهادت اعضای کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران را گرامی بداریم

مجاهد شهید عبدالرسول مشکین فام

بقیه از صفحه ۳
حوادث ۱۵ خرداد، در تهران و ۱۵ خرداد، در شیراز و آنچه پس از آن اتفاق افتاده بود، قلب او را به درد آورد. رسول به تهران آمد و در دانشکده‌ی کشاورزی کرج مشغول تحصیل شد و در آن محیط امکان خاص با سازمان مجاهدین خلق را یافت.

رسول دوران خدمت و طبعه را در کردستان گذراند و در آنجا خوب با مردم خوش خوردن آن دوران فرصت خوبی بود که او از مبارزه‌ی مردم دلیر کرد اطلاعاتی بدست آورد. او مستجابی که بر آنان می‌رود و اوضاع اجتماعی - اقتصادی کردستان و سنتهای انقلابی مردم آن دیار را مطالعه کرد. رسول به زبان کردی آشنا بود و خوب با مردم گرم می‌گرفت و به شناسایی جنبش مسلحانه‌ی کرد علیه رژیم شاه پرداخت. اطلاعات او در رشته‌ی کشاورزی منبع دیگری برای مطالعه‌ی روستاها و تغییراتی که پس از اصلاحات ارضی شاه حاکم گشته است بود. او از نزدیک و با آگاهی توأم با مسئولیت با دهقانان تماس می‌گرفت.

او از کلیه شرکت‌های زراعی که در سراسر ایران تا آن زمان تاسیس شده بود و تعدادشان به دوازده تا می‌رسید به عنوانهای مختلف بازدید کرد. رسول در تهیه کتاب روستا و انقلاب سفید و بررسی شرایط انقلابی روستاهای ایران که از طرف سازمان مجاهدین خلق منتشر شده، نقش عمده‌ای داشت.

در ویژه نامه‌ی دیروز، قسمت اول زندگی نامه‌ی شهید بنیانگذار سعید محسن از نظر آن گذشت و اینک قسمت پایانی آن، سعید یک‌فاسر بود، اما هرگز رفتار یک افسر شاهنشاهی را نداشت و دوست سربازان بود و تا آنجا که می‌توانست آنان را با حقایق آشنا می‌ساخت. سربازان آن روز که ستوان دوم سعید محسن را می‌شناختند مسلماً با شنیدن خبر شهادت او تکان خورده‌اند، به فکر افتاده‌اند که چگونه کسی ممکن است سعید محسن را تیرباران کرده باشد و به فکر افتاده‌اند که سعید محسن چکار کرده بود و چه می‌خواست است بکند که او را تیرباران کرده‌اند؟! بدون شک این فکر آنها را به هدف و آرمانهای سعید محسن، رهنمون خواهد گشت.

سعید از فرصت اقامت در جهرم استفاده کرد و با طبقات مختلف مردم به خصوص با مردم عادی و فقیر و روشنفکران و جوانان محصل و روحانیون مترقی آشنایی پیدا کرد.

۹ ماهی که در جهرم بسربرد، در این شهر آنقدر دوست پیدا کرد که وقتی مدت سربازی تمام شد و می‌خواست آنجا را ترک گوید، شب قبل از حرکتش تا دیر هنگام مردم برای خدا حافظی پیش او رفتند. مردم جهرم به قول خودشان آقای مهندس سعید را هرگز فراموش نمی‌کنند، سعید در قلب آنان نیز زنده است. مردم با مأموران دولت و به خصوص با افسران با نوعی احتیاط روبرو می‌شوند و سعید محسن در جهرم در لباس افسری ارتش بود سعید با رفتار خود ثابت کرده بود که از آن افسران ارتش نیست، او با مردم است و دوست زحمتکشان و رنجبران است. این بود که مردم پای صحبت او می‌نشستند و درد دل خود را برای او بازگو می‌کردند. عمده‌ها که به مزارع دوروبر شهر سر می‌زد و روزهای حومه که به دهقانان در کارهایشان کمک می‌کرد یا مردم خوب خوش می‌خورد.

سعید از کار خسته نمی‌شد، برایش شربین بود که کار سختی را شروع کند و با استقامت آن را به پایان رساند. هرگز کاری را نیمه تمام

ایرانی را که برادران زندانی در آن بودند و برای تحویل آنها را به ایران می‌بردند از مسرتی محروم ساختند و در بغداد فرود آوردند، بدین ترتیب برادران نجات یافتند و پس از مدت کوتاهی به انقلاب فلسطین پیوستند.

رسول را هرگز بیگانه نمی‌دید همیشه مساله‌های فکری دم دست داشت. تحریک فکری و عملی او برای همه آموزنده بود. و با اینکه بسیار سی‌ا دعا بود. خود را مدیون سازمان می‌دانست و همیشه از ارزشی که کار سازمانی برایش داشت یاد می‌کرد.

سعید خوب دیگر رسول روحیه‌ی شاد بود. او حتی در برابر مشکلات می‌خندید. او را ناراحت نمی‌دید، اما عمیقانه، حالت شاد بودن دائمی او در حفظ روحیه و اعصاب و فعالیت فکری و عملی خود او و سایرین خیلی موثر بود.

رسول مشکین فام از شرایط استعمار خیلی رنج می‌برد. بارها با میان آمدن سالهای استعمار یک انسان، برستی اشک در چشمانش حلقه می‌زد. هیچ چیز به اندازه‌ی استعمار، تنفر او را برسی نگفت. رسول بیس از انصاف تعلیمات نظامی در پایگاه الفتح، مخفیانه به ایران آمد و مدتی در سخت‌ترین شرایط با برادران خود بود. پس از مدتی که به انجام وظایف سازمانش مشغول بود، همراه با مجاهد شهید محمدحسین نژاد به

دیگر از برادران خود هوایمانی را که برادران زندانی در آن بودند و برای تحویل آنها را به ایران می‌بردند از مسرتی محروم ساختند و در بغداد فرود آوردند، بدین ترتیب برادران نجات یافتند و پس از مدت کوتاهی به انقلاب فلسطین پیوستند.

رسول را هرگز بیگانه نمی‌دید همیشه مساله‌های فکری دم دست داشت. تحریک فکری و عملی او برای همه آموزنده بود. و با اینکه بسیار سی‌ا دعا بود. خود را مدیون سازمان می‌دانست و همیشه از ارزشی که کار سازمانی برایش داشت یاد می‌کرد.

سعید خوب دیگر رسول روحیه‌ی شاد بود. او حتی در برابر مشکلات نمی‌دید، اما عمیقانه، حالت شاد بودن دائمی او در حفظ روحیه و اعصاب و فعالیت فکری و عملی خود او و سایرین خیلی موثر بود.

رسول مشکین فام از شرایط استعمار خیلی رنج می‌برد. بارها با میان آمدن سالهای استعمار یک انسان، برستی اشک در چشمانش حلقه می‌زد. هیچ چیز به اندازه‌ی استعمار، تنفر او را برسی نگفت. رسول بیس از انصاف تعلیمات نظامی در پایگاه الفتح، مخفیانه به ایران آمد و مدتی در سخت‌ترین شرایط با برادران خود بود. پس از مدتی که به انجام وظایف سازمانش مشغول بود، همراه با مجاهد شهید محمدحسین نژاد به

رسول مشکین فام از شرایط استعمار خیلی رنج می‌برد. بارها با میان آمدن سالهای استعمار یک انسان، برستی اشک در چشمانش حلقه می‌زد. هیچ چیز به اندازه‌ی استعمار، تنفر او را برسی نگفت. رسول بیس از انصاف تعلیمات نظامی در پایگاه الفتح، مخفیانه به ایران آمد و مدتی در سخت‌ترین شرایط با برادران خود بود. پس از مدتی که به انجام وظایف سازمانش مشغول بود، همراه با مجاهد شهید محمدحسین نژاد به

رسول مشکین فام از شرایط استعمار خیلی رنج می‌برد. بارها با میان آمدن سالهای استعمار یک انسان، برستی اشک در چشمانش حلقه می‌زد. هیچ چیز به اندازه‌ی استعمار، تنفر او را برسی نگفت. رسول بیس از انصاف تعلیمات نظامی در پایگاه الفتح، مخفیانه به ایران آمد و مدتی در سخت‌ترین شرایط با برادران خود بود. پس از مدتی که به انجام وظایف سازمانش مشغول بود، همراه با مجاهد شهید محمدحسین نژاد به

وصیتنامه‌ی مجاهد شهید عبدالرسول مشکین فام



این وصیتنامه به پدرم ارسال گردد.
خدمت پدر و مادر و خانواده‌ی گرام و اقوام و دوستان.
اکون که لحظات آخر عمر خود را می‌گذرانم در کمال شور و اشتیاق و خنده برای پذیرفتن شهادت در راه خدا و مردم هستم. من راه انصاف و بی‌غیرت‌گری و حضرت علی و امام حسین و راه سایر انقلابیون را ادامه می‌دهم. و تمام وجودم را در این راه گذاشتم، اکنون انتظاری که از شما دارم این است که پس از مرگ من گریه و زاری نکنید، بلکه افتخار کنید واقع نشود؛ و سعید اینگونه بود. مسائل ایدئولوژیک، سازماندهی، مسائل امنیتی و غیره، اینها همه باید حل می‌شدند. سعید همراه با برادرانش به تدریج و با حوصله و با پشت سر گذاشتن خطاها و آزمایشها ... سازمان را تکمیل بخشید و هرکس سهم خود را در این راه، تا آنجا که می‌توانست انجام داد. در طول کار جمعی، هم خود تکامل می‌یافتند و هم سازمان، و تکامل هر یک بر دیگری موثر بود.

سعید طی مقاله‌ای در همان سالهای اول تشکیل سازمان چنین نوشت: "شرایط سخت و دشوار عامل مرز بندی دقیق بین حشش و صدحش است. پیدایش مرز بین حشش و صدحش، انقلاب و ضد انقلاب، خود دلیل بر تکامل مبارزه است، زیرا تنها در چنین صورتی است که برای فرصت طلبی و سازشکاری محلی باقی نخواهد ماند فرصت طلبان و سازشکاران مواضع خود را از دست خواهند داد و در این شرایط تنها مردان مصمم هستند که بار سنگین نبرد را بدوش می‌کشند و دارای قدرت ادامه‌ی نبرد و بسیج و آگاه نمودن توده‌ها در هرگونه شرایط سخت می‌باشند آیا درک این مساله برای همه میسر است؟ مسلماً نه تنها کسانی قدرت درک این کیفیت را دارند که به اندیشه‌ی علمی و اراده‌ی مجربند، شرایط را عمیقاً می‌شناسند و مطابق با شرایط در خود آمادگی ایجاب می‌کنند. بر ماست که هزاران تن دیگر از همسالان و هم دوره‌هایش راه اسارت (مسالمت) در پیش گیرند، به صدها بهانه می‌توانست شانه از زیر بار مسئولیت خالی کند، با صد توجیه روشنفکرانه می‌توانست بگوید ... زندگی خانوادگی، شغل و جمع آوری ثروت، حالا صبر کنیم ببینیم چه می‌شود، فعلاً شرایط مناسب نیست ... و به کارهای اصلاح طلبانه مشغول شود. همه‌ی این راهها را می‌توانست پیش گیرد اما او انقلابی موجدی بود که سرازش با دشمن خدا و خلق نداشت ... این آیه قرآن را سعید بارها تکرار می‌کرد: "انا عرضنا الا بانه علی السموات والارض والجبال فابین ان یجعلنها و اشقین منها و جعلها الانسان انه کان ظلوماً جهولاً"

شهید بنیانگذار سعید محسن

با رشد سازمان و افزایش مسئولیتها سعید به وقت آزاد بیشتری نیاز داشت. این بود که آن کار را هم رها کرد و به استخدام غیر رسمی وزارت کشور درآمد و تصدی ناسات تهیه و تلفن ساختمان وزارتخانه را به عهده گرفت. از سال ۱۳۴۴ به این کار پرداخت و تا آخر تیر به همین کار که فقط صبحها وقتش را می‌گرفت، مشغول بود. سعید محدوده در راه هدف

به یاد یکایک شهیدای سازمان مجاهدین خلق ایران
و این "آرامشی پیش از شروع رعد و توفان بود تمام غنچه‌ها بر شاخه پژمردند تمام چشمه‌ها خشکید. گم بود آسمان از خشم می‌غریه و مردم، - جملگی خاموش و خشم آگین سوگوار مرگ مردان زمان بودند. "صبر" در اوج خشم مردمان تاریک شد، و بردی زان میان غمخیزید: "اگر ما را سلاحتی نیست دست کم شهادت در میان خوبان جاریست و تنها می‌توان با یک جهش، از سد این دیوارها گذشت. حتی می‌توان با مشت هادیوار را کوبید. برخیزید!"
"خبر" این بار هم کوتاه بود اما برای اهرمین، "دیوار زندانها فرو کوبید!"
و زبیرش جمله‌ای: "دیدید که ما بریدیم!؟"
سهرز - ۱۳۵۴
ای خود کوشید، از لحاظ امنیتی چنان خوب کار می‌کرد که هیچکس به او مشکوک نشد. کارمندان و به خصوص کارکنان جز، وزارت کشور و کسانی که سعید تا آنها سروکار داشت او را خوب به یاد دارند.

سعید طی مقاله‌ای در همان سالهای اول تشکیل سازمان چنین نوشت: "شرایط سخت و دشوار عامل مرز بندی دقیق بین حشش و صدحش است. پیدایش مرز بین حشش و صدحش، انقلاب و ضد انقلاب، خود دلیل بر تکامل مبارزه است، زیرا تنها در چنین صورتی است که برای فرصت طلبی و سازشکاری محلی باقی نخواهد ماند فرصت طلبان و سازشکاران مواضع خود را از دست خواهند داد و در این شرایط تنها مردان مصمم هستند که بار سنگین نبرد را بدوش می‌کشند و دارای قدرت ادامه‌ی نبرد و بسیج و آگاه نمودن توده‌ها در هرگونه شرایط سخت می‌باشند آیا درک این مساله برای همه میسر است؟ مسلماً نه تنها کسانی قدرت درک این کیفیت را دارند که به اندیشه‌ی علمی و اراده‌ی مجربند، شرایط را عمیقاً می‌شناسند و مطابق با شرایط در خود آمادگی ایجاب می‌کنند. بر ماست که هزاران تن دیگر از همسالان و هم دوره‌هایش راه اسارت (مسالمت) در پیش گیرند، به صدها بهانه می‌توانست شانه از زیر بار مسئولیت خالی کند، با صد توجیه روشنفکرانه می‌توانست بگوید ... زندگی خانوادگی، شغل و جمع آوری ثروت، حالا صبر کنیم ببینیم چه می‌شود، فعلاً شرایط مناسب نیست ... و به کارهای اصلاح طلبانه مشغول شود. همه‌ی این راهها را می‌توانست پیش گیرد اما او انقلابی موجدی بود که سرازش با دشمن خدا و خلق نداشت ... این آیه قرآن را سعید بارها تکرار می‌کرد: "انا عرضنا الا بانه علی السموات والارض والجبال فابین ان یجعلنها و اشقین منها و جعلها الانسان انه کان ظلوماً جهولاً"

نگاهی به اخبار و رویدادها

جناح بندی ها و تقسیم کار پیچیده امپریالیسم در ایران

هدف دیگر طرح ماسکی :

گاستن از بازتاب نقش آمریکا به عنوان

"تنها ژاندارم منطقه"

بعد از جنگ جهانی دوم، سلسله عواملی از قبیل قدرت گرفتن امپریالیسم آمریکا، از هم پاشیدن فاشیسم آلمان، فروریختن میلیتاریزم ژاپن، سقوط امپراطوریهای اروپای غربی و... باعث شد که "جهان تحت سلطه" نیاز به یک تقسیم بندی مجدد پیدا کند. گذشته از آمریکایی لاتین که نیول خاص آمریکا بود، این تقسیم بندی می بایست در آفریقا و آسیای جنوبی انجام شود. اما خیزش خلقها که مناطق عمده ای را از اسارت امپریالیسم رها ساخته بود، مانع سهولت انجام این تقسیم بندی می شد. بازتاب این رهاش بر خلقهای دیگر، امپریالیسم را وادار به اتخاذ شیوه های جدیدتری نمود.

حرکت خلقها، عامل خارجی موثر در یکاگیری این شیوه ها است از نظر دوری نیز آمریکا تلاش داشت که یا کاملاً جای استعمارگران قدیم را بگیرد، و یا به مشارکت با آنها در مناطق و منافع بپردازد. البته این کشورها نیز متقابلاً سعی داشتند با گردآوردن کشورهای تحت استعمار خود و ایجاد واحدهای استعماری و بستن پیمانیهایی چون "کشورهای مشترک المنافع" و "حاکمیتی فرانسه"؛ اولاً - منافع خود را حفظ کنند، و ثانیاً - بتدریج ردپای مشخص و ملموس خود را از کشورهای مختلف بیرون کشیده و این نقش را به آمریکا واگذار کنند. این طرح به اروپا در کسب وجهه تمکک زیادی می کرد. بعدها حتی انگلیس مهمترین پایگاههای نظامی را در مناطق مختلف جهان (ماداگاسکار، سنگاپور، خلیج فارس و...) تخلیه کرد.

حالا ناتی از این تخلیهها را آمریکا براساس "دکترین آیزنهاور" بر می گرد. بازتاب این عمل در خلقهای تحت ستم این بود که آمریکا را در رأس دشمنان خود شناخته و بنابراین ضدیت با آمریکا بعنوان اصلی ترین دشمن شروع گردد. "دکترین نیکسون" که ویتنامی کردن جنگ ویتنام... را در تمامی مناطق تحت سلطه دنیا می گرد (به عنوان نمونه در خلیج فارس سعی داشت از ایران بعنوان ژاندارم منطقه سود جوید) می گوید تا این جو حاصله در ملل جهان سوم را خنثی نماید. اما با شکست این طرح و به دنبال آن نیز شکست "سیاست حقوق بشر کارتر" امپریالیسم دست به تجزیه شیوه های جدیدتری زده است. اینک کارتر مجدداً "خط نظامی" را برگزیده است، که مشخصاً اتخاذ چنین سیاستی را در طرح ۴ ماده ای که وی تصویب کرد، می توان دید. اصول این طرح ۴ ماده ای عبارتند از:

- ۱- تشکیل نیروی نظامی اصلی در مصر.
 - ۲- توسعه تسهیلات در جزیره های "دیوگوراسیا" واقع در اقیانوس هند.
 - ۳- ایجاد تسهیلات دریایی و هوایی در "مومباسا" (در کنیا) و "بربرا" (در سومالی).
 - ۴- حضور دریایی ایالات متحده در اقیانوس هند، دریای سرخ و خلیج فارس.
- تصویب این طرح ۴ ماده ای همزمان با اجلاس هیئت ناتو و ارائه طرح ماسکی است.
- در طرح آمریکا برای هماهنگی متحدینش، بر حسب شرایط مناطق مختلف، نقشهای متفاوتی تعهد می دهد؛ آنها گذشته شده است. در رابطه با خلیج فارس و بالخصوص "ایران"، ما با دو جناح از متحدین آمریکا روبرو هستیم: جناح "آلمان و ژاپن" و جناح "انگلیس و فرانسه". جناح آلمان و ژاپن اساساً به لحاظ سابقه تاریخی شکست در جنگ جهانی دوم، وابستگی همه جانبه تری به آمریکا دارند و نتیجتاً در اتحاد سیاستهای خود به خط آمریکا نزدیکتر هستند. در این مورد می توان به فشار آمریکا بر ژاپن برای بالابردن هزینه های دفاعی و نظامی خود، و نیز فرستادن ناو جنگی به منطقه توسط آلمان اشاره کرد. بر خلاف این جناح، فرانسه و انگلیس (و بیشتر فرانسه) سیاستهای به ظاهر مستقل تری را دنبال می کنند.

در تلاش آمریکا برای بالابردن ضریب هماهنگی بین خود و متحدانش، جناح بندی های فوق سهمی بسزا دارند. چندی قبل وزیر خارجه ایالات متحده اظهار داشت که "واشنگتن ایده های تقسیم وظایف بین متحدانش را مورد تصویب قرار داده است".

"هارولد براون" وزیر دفاع آمریکا نیز اعلام کرد: "قابل تصور است که احتمالاً برای کمک به حفظ نفوذ منطقه خلیج فارس در مقابل تهدید شوروی، دو کشور اروپایی متحد آمریکا سعی می کنند که به ایران... ما انتظار نقش نظامی از متحدان خود نداریم". دو کشور که "براون" از آنها یاد می کند، می تواند فرانسه و انگلیس باشند که در جریانات اخیر نقش آرام تر و مصالحه جو یا مدتری بازی کرده اند. طبعاً ایفای چنین نقشی در ایران، نمی تواند مانعی برای تعهد گرفتن نقشهای دیگر (و منجمد نقش نظامی) در مناطق دیگر باشد. نهایتاً می توان چنین نتیجه گیری کرد که "طرح ماسکی" در عین دنبال کردن هدف اصلی یعنی مقابله با یکپارچه تری با خلقها، هدف دیگری را نیز دنبال می کند، به اینصورت که آمریکا سعی دارد علاوه بر حفظ برتری و نفوذ خود، از بازتاب نقش خود به عنوان "تنها ژاندارم" در جهان بکاهد. در همین زمینه قابل توجه است که "کارتر" هماهنگی متحدینش را به طور خاص در قبال ایران، از طرفی به نفع "خود" و از سوی دیگر به نفع "آینده ای ایران" می داند. این نیز یکی دیگر از آخرین شیوه های امپریالیسم است که به خاطر اغفال خلقهای جهان و سرپوش گذاشتن بر تضادهای خود طرح ریزی کرده است. بقیه از صفحه ۲

در شهرستانها چه می گذرد...؟

اطلاعیها نجمندانشان موزان مسلمان اراک در باره ی حملات اخیر اوپا شب به ساختمان اینانجم

بمقام خدا
بمقام خلق قهرمان ایران

همشهریان عزیز، مردم قهرمان اراک همانطور که اطلاع دارید، عصر روز دوشنبه، ۲۹/۲/۵۹ احسن دانسی اموران مسلمان اراک، مورد تهاجم عده ای اوپا از خدا بی خبر واقع شد البته این حملات به طور حساب شده از روز یکشنبه علیه برادران و خواهران آغاز شده بود. از جمله عده های معلوم الحال به چند نفر از برادران که در حال بخش اعلاسیه سازمان بودند حمله نموده و پس از ضرورت نمودن آنان، اعلامها را نیز باز می کنند. همچنین اوپا، ضمن حمله به کتابخانه های کار خاها عاب آباد، با ایجاد درگیری برخی برادران را مصروف و یک نفر را نیز با چاقو محروم می نماید. اوپا به دنبال آن قصد حمله به احسن را داشتند که با مقاومت برادران و خواهران و همچنین دخالت مأمورین شهرایی روبرو شده و معرق شدند. به دنبال تحریکات و تهاجمات فوق، اوپا و جماعتداران که بعضاً از خود اراک نیز بودند، در ساعت ۷ بعد از ظهر به ساختمان احسن یورش بردند. برادران و خواهران احسن برای دفاع از خانه خود به مقاومت قهرمانانه پرداختند. همچنین در جریان گذاشتن سروه های انظامی عده ای از مأمورین شهرایی به محل آمدند. علیرغم هتدار و تذکر برادران به مهاجمین در قبال حرکات غیراسلامی آنان، مهاجمین هر لحظه به حملات خود افزودند. با انحال برادران و خواهران، با برحای گذاشتن دهها نفر محروم همان به

کرده و ضمن تخریب و غارت بعضی اموال آن مقداری را نیز به خاها ریخته آتش زدند.

مردم مبارز اراک:

ما از شما می خواهیم خودتان در مورد جریانی که طی این چند روز در اراک بوجود آمده قضاوت کنید ببینید چه کسانی تحت عنوان اسلام از جنگ و جدالی فرودگذار نمی کنند شما قضاوت کنید که عناصر تفرقه افکن و جنگ امروز در شهر چه کسانی هستند، و با تعدادی از برادران و خواهران و فرزندان مسلمان شما چه رفتاری می کنند؟ آنها در تریایی که مکرراً از حالت ریاست جمهوری و مقام مسئول حمله به گروههای سیاسی عطفی صدامتاری خوانده شده و با در این شرایط که ابادی ملوک و سا فعالان در سطح ملوک سرگرم توطئه علیه مردم ما می باشند و آمریکا جهانخوار حتی از تهاجم نظامی نیز ابائی ندارد، چه کسانی با حمله به سروه های اعلاسی آس به آسیاب امپریالیستها می بریزند؟ مگر گناه این برادران و خواهران که جنس ناحوسرمدانه مورد تهاجم متنی از خدا بی خبر قرار گرفته اند چیست؟ آیا حر این است که این

منهد:

گزارشی از نمایشگاه ضد امپریالیستی در مشهد

ار تاریخ ۲۱/۲/۵۹، قسمی از لوازم و وسایل باقی مانده از حمله ی نظامی آمریکا به ایران، در محل باغ ملی مشهد، در حین محل نگهداری خاها آمریکا از طرف سیاه باسداران به حاشی گذاشته شد. صف های طولی مردم برای مشاهده ی موتورهای برش، حلقه های صدگلوله و نیز سلسله های کالبر ۵۰ و... مشاهده ی استعمال جنگگر مردم از کلیه اخبار و اسناد این نوا و همچنین سایر روحیه ضد امپریالیستی مردمی بود که ظلم و ستم تاریخی از حاکمان امپریالیستها را بر دوش خود حس کرده اند تقریباً هیچکس نبود که این وسایل را ببیند و به گساختی و جوی نواورگرافی امپریالیستها بی سرد و در مورد عمق این توطئه کجنگار شود! مشاهده ی این وسایل موالات

گزارشی از دیدار خواهر مجاهد فاطمه رضایی با خواهر نسرین رستمی و خانواده اش



خواهر مجاهد فاطمه رضایی در دیدار با خانواده ی خواهر نسرین رستمی

هفته ای گذشته با درج گزارشی، در نسرینی مجاهد از وضعیت خواهر نسرین رستمی که در جریان حمله به دانشگاه شیراز مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود، اطلاع یافتند. این خواهر اگر چه به لحاظ جسمی از وضعیت ناامیدکننده ای برخوردار است اما دارای روحیه ای عالی و شکفتن انگیز می باشد. در روز بیستم اردیبهشت، خواهر مجاهد فاطمه رضایی به دیدار نسرین رستمی و خانواده ی او رفت. مادر نسرین که از روحیه ی انقلابی برخوردار است، ضمن پرسیدن حال برادران و خواهران مجاهد گفت: "حاضرم ده تا نسرین داشته باشم و همه را به راه حق بدهم". سپس قاف عکسی از مجاهد شهید مهدی رضایی در بیدادگاه از طرف خانواده ی رضایی های شهید به خانواده ی رستمی تقدیم شد. هم چنین پیام برادر مسعود

دعوت به شرکت در مراسم بزرگداشت شهدای ۴ خرداد

به مناسبت چهارم خرداد، هشتمین سالگرد شهادت ۵ نفر از بنیانگذاران و اعضا کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران، مراسم بزرگداشتی از ساعت ۵ بعد از ظهر روز یکشنبه بر سر مزارشان در بهشت زهرا قطعه ی ۳۳ برگزار خواهد شد. امیدواریم با شرکت هر چه فعال تر در این مراسم و همراه با ارج نهادن به روح این شهیدان والا مقام خلق راه گسترش آرمان های رهاش بخش و اسلامی آنان هر چه هموارتر گردد. از طرف خانواده های شهدای مجاهدین خلق محسن، اصغر بیع زادگان، رسول مشکین فام، و محمود عسگری زاده

و حقیقت، براساتی هم که ناامند مرتبه ای عظیم و صبر و تحملی بسیار است، منزلت شما هم اکنون نیز در شمار والدین شهادت و خدا کنند که تمام فرزندان مجاهد شما در سراسر این کشور، این لیاقت و شایستگی را برای اتمام راه ضد - ارتجاعی و ضد استعماری... خواهرانی چون نسرین را دارا باشند آری ما هم نیل به حق و حقیقت را می خواهیم. پس مادر و پدر عزیزان از دعا فراموش نکنید. فرزندان مسعود رجوی پس از ملاقات با خانواده ی رستمی خواهر فاطمه به ملاقات نسرین به بیمارستان رفت. خواهر نسرین علیرغم وخامت حالش با دیدن بقیه در صفحه ۲

از علاقمندان تقاضای شود که کمک های مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره ۱۳۰۰ بانک صادرات شعبه ۴۵۹ واقع در بیج شمیران واریز نمایند، و حواله ی آن را به صندوق پستی "تهران ۱۶" شماره ۶۴/۱۵۵۱ ارسال دارند.

روزنامه "مجاهد" نشریه مجاهدین خلق ایران سال اول آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵۱